

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

شیعیان

چشم انتظار عنایت سالار شهیدان علیه السلام

۱۸ آذر ۱۳۸۸

۲۱ ذی الحجة ۱۴۳۰

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴾^(۱) .

سلام بر او آن روز که تولد یافت، و آن روز که می میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می شود .

هنگامی که حال و هوای عید بزرگ غدیر می گذرد، آرام آرام نسیم ایام محرم و سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام شروع به وزیدن می کند. دل هایی که غرق در شادی و سرور حاصل از عید بزرگ غدیر بود، متوجه حماسه پرشور عاشورا خواهد شد. در ایامی که متعلق و به نام اهل بیت علیهم السلام است، باید نهایت استفاده را در به دست آوردن معرفت و محبت بیشتر به آنان علیهم السلام بنمائیم. به خصوص در این ایام که در آستانه ماه محرم و صفر هستیم، باید محبت و معرفت خود را به حضرت سیدالشهدا علیه السلام افزایش دهیم و به آنان علیهم السلام متوسل شویم، چون منزلگاه های

۱. سوره مریم، آیه ۱۵.

سختی در پیش رو داریم که با توسل به اهل بیت علیهم السلام، می‌توانیم از این منزلگاه‌ها به سلامت عبور نماییم.

آستانه و سکران موت

یکی از منزلگاه‌های سخت که پیش روی هر انسانی است، سکران موت می‌باشد. هنگامی که انسان آخرین لحظات زندگی دنیوی را پشت سر می‌گذارد و می‌خواهد با دنیای فانی وداع کند، به عبارت دیگر لحظه جان دادن و خارج شدن روح از بدن و انتقال به دنیای دیگر، از سخت‌ترین لحظاتی است که هر انسان با آن مواجه می‌شود.

هیچ انسان عاقل و متفکری در عالم یافت نمی‌شود مگر اینکه بر وقوع مرگ اعتراف داشته و آن را باور دارد. اما در میان مادیین و ملحدین واز سوی دیگر مؤمنین به ادیان الهی، در مورد مرگ اختلاف آشکاری وجود دارد. گروه اول، مرگ را همان فناء، نابودی و نیستی می‌داند، ولی گروه دوم مرگ را راهی برای ورود به عالم دیگر یا همان سرای آخرت تلقی می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«لکلّ دار باب، و باب دار الآخرة الموت»^(۱).

برای هر خانه‌ای دری است و درِ خانه آخرت مرگ است.

با توجه به تعبیر قرآن کریم می‌توان گفت در میان انسان‌ها نیز دو نوع نگرش در مورد مرگ وجود دارد. قرآن کریم در مورد این دو نگرش می‌فرماید:

۱. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، جلد ۲۰ صفحه ۳۴۵.

﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً * وَنَرَاهُ قَرِيباً﴾^(۱).

زیرا آنها آن روز را دور می‌بینند * و ما آن را نزدیک می‌بینیم.

گروهی که مرگ را به دیده یقین و باور می‌نگرند، وقوع آن را نزدیک می‌دانند، و هر آن انتظار آن را می‌کشند، اما گروه دیگر که قلب خود را با انواع آرزوها و آمال آغشته‌اند، وقوع مرگ را بعید و دور می‌دانند، و می‌پندارند... که به زودی مرگ به سراغ آنان نمی‌آید، گویی تضمینی دارند که تا سال‌ها زنده‌اند! حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

«من رأى الموت بعين يقينه رآه قريباً»^(۲).

هر کس با دیده یقین به مرگ نظر کند، آن را نزدیک می‌بیند.

آنچه قابل انکار نیست این است که مرگ دیر یا زود گریبان همه انسان‌ها را خواهد گرفت. با نگاهی به اطراف خود اعتراف خواهیم نمود نزدیکان و دوستان بسیاری بودند که امروز کنار ما نیستند و به عالم باقی قدم گذاشته‌اند، کسانی که انتظار نداشتیم به این زودی از میان ما رخت بربندند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾^(۳).

و سرانجام سكراتِ مرگ، حقیقت را می‌آورد، این همان چیزی است که تو از آن می‌گریختی.

۱. سوره معارج، آیه ۶.

۲. عیون الحکم والمواعظ، صفحه ۴۴۶.

۳. سوره ق، آیه ۱۹.

بنابراین، سكرات موت كه همان مستی، بیهوشی و ناتوانی میّت است، منتهی به مرگ می‌شود، و به زودی دامان همه را خواهد گرفت. انسان‌ها هنگام مرگ به دردهای فراوانی مبتلا خواهند شد كه زبان از بیان آنها قاصر است.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«وَأَنَّ لِّلْمَوْتِ لَغَرَمَاتٍ هِيَ أَفْظَعُ مِنْ أَنْ تَسْتَعْرِقَ بِصِفَةِ، أَوْ تَعْدَلَ عَلَى عَقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا»^(۱).

همانا مرگ سختی‌هایی دارد كه هراس‌انگیز و وصف‌ناشدنی است و فراتر از آن است كه عقل‌های اهل دنیا آن را درك كند.

در روایت دیگری حضرت امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید:

«أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: السَّاعَةُ الَّتِي يَعَايِنُ فِيهَا مَلِكُ الْمَوْتِ وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَإِنَّمَا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّمَا إِلَى النَّارِ»^(۲).

سخت‌ترین لحظات بنی آدم سه زمان می‌باشد: هنگامی كه ملك الموت را می‌نگرد، لحظه‌ای كه از قبرش برمی‌خیزد و هنگامی كه در برابر پروردگار می‌ایستد، سپس یا به سوی بهشت می‌رود یا به سمت آتش.

بنابراین به تصریح آیات و روایات، لحظه جان دادن یکی از سخت‌ترین لحظاتی است كه هیچ‌گیزی از آن نخواهد بود. در این لحظات سخت، انسان به

۱. نهج البلاغه، خطبة ۲۲۱.

۲. الخصال، صفحه ۱۲۰.

کمک و امداد اهل بیت علیهم السلام نیازمند است و طبق روایات، یکی از لحظاتی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام بر بالین انسان حاضر شده و به فرشتگان می‌گویند: این شخص از محبت ما اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، همین لحظه دردناک و مشقت آور می‌باشد^(۱).

۲. منزلگاه قبر

دومین منزلگاهی که انسان پیش رو دارد، هنگامی است که او را در قبر می‌گذارند. انسان پس از مرگ، از این دنیا با تمام تجملات و زیبایی‌های آن، جدا می‌شود و با دستان تهی درون خانه‌ای تاریک و وحشتناک قرار می‌گیرد. ورود به منزلگاه قبر نیز قابل انکار نخواهد بود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ﴾^(۲).

بعد او را میراند و در قبر پنهان نمود.

در روایات آمده است، وقتی انسان را وارد منزل قبر می‌کنند، قبر مهمان خود را مخاطب قرار داده و می‌گوید:

«أنا بيت الغربة، أنا بيت الوحشة، أنا بيت الدود»^(۳).

من خانه غربت، خانه وحشت و خانه کرم‌ها (مأمورین از بین بردن بدن) هستم.

۱. کافی، جلد ۳ صفحه ۱۲۸.

۲. سوره عبس، آیه ۲۱.

۳. کافی، جلد ۳ صفحه ۲۴۲.

بنابراین منزل قبر جایگاهی است که هیچ چیز نه نزدیکان و نه دوستان، به داد و فریاد انسان نخواهند رسید. در این جایگاه است که انسان‌ها انتظار می‌کشند چشمانشان به جمال زیبا و نورانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین ایشان علیهم السلام روشن شود.

حضرت امام صادق علیه السلام در مورد چگونگی رفتار فرشتگان با انسان مؤمن و کافر در قبر می‌فرماید:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أُخْرِجَ مِنْ بَيْتِهِ شَبَّعَتْهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى قَبْرِهِ يَزِدُ حُمُونَ عَلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِهِ، قَالَتْ لَهُ الْأَرْضُ: مَرْحَباً بِكَ وَأَهلاً أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَحَبَّ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلَكَ. لَتَرَيْنَ مَا أَصْنَعُ بِكَ فَتَوَسَّعْ لَهُ مَدْبُورَهُ وَيَدْخُلْ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ مَلَكًا الْقَبْرِ وَهُمَا قَعِيدَا الْقَبْرِ مِنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، فَيَلْقِيَانِ فِيهِ الرُّوحَ إِلَى حَقْوِيهِ فَيَقْعُدَانِهِ وَيَسْأَلَانِهِ، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: اللَّهُ، فَيَقُولَانِ: مَا دِينُكَ؟ فَيَقُولُ: الْإِسْلَامُ، فَيَقُولَانِ: وَمَنْ نَبِيِّكَ؟ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَقُولَانِ: وَمَنْ إِمَامُكَ؟ فَيَقُولُ: فُلَانٌ، قَالَ: فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: صَدَقَ عَبْدِي أFRشوا له في قبره من الجنة وافتحوا له في قبره باباً إلى الجنة وألبسوه من ثياب الجنة حتى يأتينا وما عندنا خير له، ثم يقال له: نم نومة عروس، نم نومة لاحلم فيها، قال عليه السلام: وإن كان كافراً خرجت الملائكة تشييعه إلى قبره يلعنونه حتى إذا انتهى به إلى قبره، قالت له الأرض: لا مرحباً بك ولا أهلاً، أما والله لقد كنت أبغض أن يمشي عليّ مثلك لاجرم لتريين

ما أصنع بك اليوم فتضيّق عليه حتّى تلتقي جوانحه ، قال عليه السلام : ثمّ يدخله عليه ملكا القبر وهما قعيدا القبر منكر ونكير . قال أبو بصير : جعلت فداك يدخلان على المؤمن والكافر في صورة واحدة ؟ فقال عليه السلام : لا ، قال عليه السلام : فيقعدانه ويلقيان فيه الروح إلى حقويه فيقولان له : من ربك ؟ فيتلجج ويقول : سمعت الناس يقولون ، فيقولان له : لا دريت ، ويقولان له : ما دينك ؟ فيتلجج ، فيقولان له : لا دريت ، ويقولان له : من نبيك ؟ فيقول : قد سمعت الناس يقولون ، فيقولان له : لا دريت ، ويسأل عن إمام زمانه ، قال عليه السلام : فينادي مناد من السماء : كذب عبدي أفرشوا له في قبره من النار وألبسوه من ثياب النار وافتحوا له باباً إلى النار حتّى يأتينا وما عندنا شرّ له ، فيضربانه بمرزبة ثلاث ضربات ليس منها ضربة إلاّ يتطير قبره ناراً لو ضرب بتلك المرزبة جبال تهامة لكانت رميمًا . وقال أبو عبد الله عليه السلام : ويسلّط الله عليه في قبره الحيّات تنهشه نهشاً والشيطان يغمّه غمّاً ، قال عليه السلام : ويسمع عذابه من خلق الله إلاّ الجنّ والإنس قال عليه السلام : وإِنَّه لِيَسْمَعُ خَفَقَ نَعَالِهِمْ وَنَقْضَ أَيْدِيهِمْ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ (١) « (٢) .

١ . سورة إبراهيم ، آية ٢٧ .

٢ . كافي ، جلد ٣ صفحة ٢٣٩ .

هنگامی که مؤمن از دنیا رفته‌ای، از خانه‌اش بیرون برده می‌شود، فرشتگان فراوانی او را تا قبر تشییع می‌کنند تا او را به قبرش برسانند. زمین به او می‌گوید: خوش آمدی، به خدا سوگند دوست داشتم افرادی مانند تو بر روی من راه بروند، خواهی دید با تو چگونه رفتار خواهم کرد. پس به اندازه دید او زمین بر او توسعه و گشایش می‌یابد و دو ملک قبر بر او وارد می‌شوند و آن دو منکر و نکیر هستند که در قبر می‌نشینند و تا پهلو به او روح می‌دمند و او را می‌نشانند و از او می‌پرسند: پروردگار تو کیست؟ او می‌گوید: الله. از او می‌پرسند: دین تو چیست؟ می‌گوید: اسلام. می‌پرسند: پیامبر تو کیست؟ می‌گوید: محمد ﷺ. و می‌پرسند: امام تو کیست؟ می‌گوید: فلان، سپس منادی از آسمان ندا می‌دهد، بنده من راست گفت، از بهشت قبر او رافرش کنید و دری از بهشت به سوی قبر او بگشایید و با پیراهنی از بهشت او را بپوشانید تا به نزد ما بیاید و آنچه نزد ماست، برای او بهتر است. سپس به او گفته می‌شود: چون عروس بخواب، بخواب، خوابی که در آن رؤیا نباشد. اما اگر کافری بمیرد فرشتگان در تشییع او، لعنتش می‌کنند تا به قبر برسد. زمین به او می‌گوید: خوش نیامدی، به خدا سوگند متنفر بودم که فردی مانند تو بر روی من راه برود. حال خواهی دید که با تو چگونه

رفتار خواهیم کرد. زمین آن قدر تنگ می شود که بدن او فشرده می شود، سپس دو ملک که در قبر هستند، یعنی... نکیر و منکر بر او وارد می شوند. ابوبصیر می گوید: جانم فدای شما باد! آیا منکر و نکیر بر مؤمن و کافر بیک صورت و شکل وارد می شوند؟ امام علیه السلام فرمودند: خیر، سپس امام علیه السلام فرمودند: او را می نشانند و تا پهلو به او روح می دمند و به او می گویند: خدای تو کیست؟ او به لرزه و تردید می افتد و می گوید، شنیدم که مردم می گویند: به او می گویند: نمی دانی. به او می گویند: دین تو چیست؟ او به لرزه و تردید می افتد. به او می گویند: نمی دانی. به او می گویند: پیامبرت کیست؟ می گوید: شنیدم که مردم می گویند. به او می گویند: نمی دانی و از امام زمانش از او سؤال می شود. امام علیه السلام فرمودند: سپس منادی از آسمان ندا می دهد، بنده من دروغ می گوید. از آتش، قبر او را فرش کنید و از لباس های جهنم او را بپوشانید و دری از آتش به سوی او بگشایید تا به سوی ما آید و آنچه نزد ماست، برای او بدتر است. با عصای آهنین به او سه ضربه می زنند، هر ضربه ای قبر او را مملو از آتش می کند، اگر با آن عصا، کوه تهامه^(۱) را بزنند از هم می پاشد. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند مارها را در قبر بر او مسلط می کند تا

۱. تهامه: مکه مکرمه.

او را نیش بزنند و شیاطین را مسلط می‌کند تا او را اندوهگین سازند. امام علیه السلام فرمودند: تمام مخلوقات خداوند به غیر از جن و انسان، صدای عذاب او را می‌شنوند. به درستی که صدای کفشها و دستهای آنان شنیده می‌شود و آن است قول خداوند سبحان که می‌فرماید: «خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد، هم در این جهان و هم در سرای دیگر و ستمگران را گمراه می‌سازد (و لطف خود را از آنها برمی‌گیرد) خداوند هر کار را بخواهد انجام می‌دهد».

در روایت دیگری حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«من قوی مسکیناً فی دینه، ضعيفاً فی معرفته علی ناصب مخالف فأفحمه، لقتنه الله یوم یدلّ فی قبره أن یقول: الله ربّی، ومحمد صلی الله علیه و آله و سلم نبیّی، وعلی علیه السلام ولیّی، و الکعبة قبلتی، و القرآن بهجتی وعدّتی، و المؤمنون إخوانی. فیقول الله: أدلیت بالحجّة فوجبت لك أعالی درجات الجنّة، فعند ذلك یتحوّل علیه قبره أنزه ریاض الجنّة»^(۱).

هر کس نیرومند کند تھی دستی در دین و ضعیفی در معرفت را بر کسی که مخالف ما اهل بیت، می‌باشد و او را شکست دهد، هنگامی که او را در قبر می‌گذارند خداوند او را تلقین می‌کند که بگوید: خدا پروردگار من، محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر من، و علی علیه السلام

۱. بحار الأنوار، جلد ۲ صفحه ۷.

امام من، و کعبه قبله، و قرآن نشاط و ذخیره، و مؤمنان برادران من هستند، خداوند می فرماید: حجت را بیان کردی، پس بالاترین درجات بهشت بر تو واجب است. در آن هنگام قبر او به زیباترین باغ های بهشت تبدیل می شود.

۳. روز قیامت

سومین منزلگاه سخت پیش روی انسان ها، روز قیامت است. روزی که انسان ها از قبر برمی خیزند تا به اعمال آنان رسیدگی شود. انسان ها در این لحظه و جایگاه، چشم انتظار اهل بیت علیهم السلام می باشند. آیات و روایات فراوانی به تشریح و توصیف روز قیامت پرداخته اند. در این مجال به نقل برخی از آیات اکتفا می کنیم:

۱. ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾^(۱).

در آن روزی که مال و فرزندان سودی نمی بخشد * مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.

۲. ﴿يَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ * لِكُلِّ امْرئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾^(۲).

در آن روزی که انسان از برادر خود می گریزد * و از مادر و پدرش، و زن و فرزندانش * در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می سازد.

۱. سوره شعرا، آیه ۸۸ و ۸۹.

۲. سوره عبس، آیات ۳۷ و ۳۶ و ۳۵ و ۳۴.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَرُؤُنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾^(۱).

ای مردم از پروردگارتان بترسید که زلزله رستاخیز امر عظیمی است * روزی که آن را می بینید هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می کند. و هر بارداری جنین خود را بر زمین می نهد و مردم را مست می بینی، در حالی که مست نیستند ولی عذاب خدا شدید است.

۴. ﴿يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^(۲).

در آن روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی کند. این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می گویند: پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیزی توانایی.

آیات مذکور دارای مفاهیم سنگین و والایی می باشد که انسان را به ژرفای حوادث قیامت و تنهایی انسان در آن زمان آگاه می کند. بعد از مرور آخرین آیه، این پرسش در ذهن پدیدار می گردد: نوری که در این آیه از آن سخن به میان

۱. سوره حج، آیه ۲ و ۱.

۲. سوره تحریم، آیه ۸.

آمده، کدام نور است؟ در پاسخ خواهیم گفت: به عنوان مثال، نورهایی که در اطراف ما وجود دارند (مانند چراغ) همه به این دلیل نورانی هستند که به منبع اصلی خود یعنی کنتور برق وصل می‌باشند و اگر حتی یک لحظه اتصال آنها با منبع قطع شود نور خود را از دست خواهند داد. دل و باطن انسان‌ها نیز زمانی نورانی خواهند شد که به منبع نور، یعنی اهل بیت علیهم‌السلام متصل باشند. به همین دلیل است که در زیارت حضرت سید الشهدا علیه‌السلام آمده است:

«السلام عليك يا نورالله في ظلمات الأرض»^(۱).

سلام بر تو ای کسی که نور خداوند متعال در تاریکی زمین هستی.

اما آنچه تأمل برانگیز می‌باشد این است که آیا ما توانسته‌ایم با اعمال خود به سوی منبع نور حرکت کرده و از آن نور، کسب فیض نمائیم؟ آیا توانسته‌ایم با اعمال خود زاد و توشه روز قیامت را فراهم آوریم؟! هیچ شخصی؛ عالم و جاهل، غنی و فقیر و... نمی‌تواند ادعا کند که برای قیامت و عالم قبر سرمایه کافی و لازم جمع نموده است. آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم که در فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم چه کرده‌ایم؟ آیا می‌توانیم به نماز، روزه و دیگر اعمال ناقص و ناخالص خود مغرور و متکی باشیم؟ آیا این اعمال می‌توانند به عنوان سرمایه روز قیامت محسوب شوند؟

تمام انسان‌ها در منزلگاه‌های سه گانه فوق به یاری اهل بیت علیهم‌السلام نیازمند

۱. کامل الزیارات، صفحه ۵۲۷.

می‌باشند. همهٔ انسان‌ها حتی علما و مراجع در لحظات سخت و طاقت فرسایی که در پیش رو دارند، محتاج امداد و دستگیری اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند.

نقل می‌کنند یکی از مراجع عالیقدر شیعه در لحظات مرگ گریبان بود، از او سؤال نمودند: شما چرا گریه می‌کنید؟ شما شخصیتی هستید که با تحمل همه سختی‌ها و مشقات به تعلیم و تعلم علوم الهی پرداختید. در پرتو تعلیمات شما طلاب و افراد مهذب فراوانی تربیت شدند و حتی بنای بسیاری از مساجد، حسینیه‌ها و تکیه‌ها به عهدهٔ شما بوده است، علت گریهٔ شما چیست؟ ایشان در پاسخ گفت: علیرغم تمام توصیفات که شد، من با دستان خالی و تهی به سوی پروردگار خود می‌روم، زیرا قیامت بازاری است که فقط عمل خالص و بی‌ریا را از انسان می‌خرند و به این گفتهٔ لقمان حکیم استناد کرد که:

«وأخلص العمل فإن الناقد بصير»^(۱).

رفتار خود را خالص و بی‌ریا کن، زیرا ارزیابِ عمل آگاه و دانا است.

نمونهٔ دیگر از نیاز انسان به اهل بیت علیهم‌السلام در مورد علامه حلی رحمته‌الله نقل شده است. ایشان یکی از بزرگترین مراجع شیعه محسوب می‌شود که دارای تألیفات فراوان علمی و فقهی می‌باشد. شخصی، علامه حلی رحمته‌الله را در خواب دید و از ایشان سؤال کرد در چه اوضاع و احوالی به سر می‌برید؟ در پاسخ گفتند: تنها محبت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و اولاد طاهرشان علیهم‌السلام به یاری من رسید.

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۳ صفحه ۴۳۲.

بنابراین هرچه عشق و محبت انسان‌ها به اهل بیت علیهم‌السلام زیادتر باشد در لحظات سخت، آسوده‌تر خواهند بود و در مقابل هر چه از خانه اهل بیت علیهم‌السلام دورتر باشند، به سختی و هلاکت نزدیک‌تر خواهند بود. اگر این محبت وارد خون انسان شود و در رگها جریان یابد، به انسان بصیرت و آگاهی خواهد بخشید. در این زمان است که با قلب و دل خود خواهد فهمید چه مصائب سخت و ناگواری در روز عاشورا بر حضرت سید الشهداء علیه‌السلام وارد شد. انسانی که سراسر وجودش از عشق و محبت به سیدالشهداء علیه‌السلام لبریز باشد، معنای سخن حضرت امام مجتبی علیه‌السلام را از عمق جان درک خواهد کرد که فرمودند:

«لایوم کیومک یا ابا عبدالله علیه‌السلام»^(۱).

هیچ روزی مانند روز تو ای حسین علیه‌السلام! نخواهد بود.

بررسی رفتار حضرت سید الشهداء علیه‌السلام

طبق تصریح آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، شرافت تمام انسان‌ها حتی انبیاء و اهل بیت علیهم‌السلام در گرو اعمال و رفتار آنان می‌باشد. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾^(۲).

و برای هر یک درجات است از آنچه عمل کردند، و پرودگارت از اعمالی که انجام می‌دهند، غافل نیست.

۱. آمالی صدوق علیه‌السلام، صفحه ۱۷۷.

۲. سوره انعام، آیه ۱۳۲.

بر اساس عدل الهی، جایگاه و شرافت هر انسانی بستگی به اعمالی دارد که در دنیا انجام داده است، از سوی دیگر می‌دانیم که حضرت سید الشهداء علیه السلام دارای شرافت و قداست خاصی می‌باشند و در نزد خداوند سبحان مقام و مرتبه ویژه‌ای دارند. با تأمل در رفتار ایشان علیه السلام در روز عاشورا و تحمل سختی‌های فراوانی که به جان خریدند، در می‌یابیم که چرا حضرت اباعبدالله علیه السلام به چنین مقام و منزلت ویژه‌ای دست یافته‌اند.

برای شناخت یک عمل باید سه نکته را بررسی نماییم:

۱. ریشه عمل؛ یعنی انگیزه‌هایی که انسان را به انجام یک عمل سوق می‌دهد.
۲. ثمره و نتیجه عمل ۳. شکل و صورت ظاهری عمل.

اجمالاً بیان می‌کنیم که با بررسی دقیق و برهانی سه عنصر فوق در مورد رفتار حضرت سید الشهداء علیه السلام به این نتیجه خواهیم رسید که نه تنها شناخت عمق و باطن شخصیت ایشان علیه السلام برای همگان امکان‌پذیر نمی‌باشد، بلکه شناخت تمام ابعاد رفتاری ایشان علیه السلام برای انسانهای عادل محال خواهد بود، زیرا حضرت سید الشهداء علیه السلام به چنان بینش و بصیرتی دست یافته بودند که در یک روز بهترین فرزندان و یاران خود را در راه محبوب خود قربانی کردند.

انگیزه رسیدن به محبوب

برای یافتن انگیزه اعمال و رفتار انسان‌ها، باید دید که آنها با خدای خود چگونه معامله می‌کنند؟ معامله‌ای که انسان‌ها با خدای خود دارند، می‌تواند انگیزه

و دواعی آنها را روشن نماید. برای شناخت انگیزه حضرت سیدالشهدا علیه السلام باید دید که ایشان علیه السلام چگونه با خدای خود معامله می‌کنند و سخن می‌گویند و در چه عالمی سیر می‌کنند. دعای عرفه که گفتگوی حضرت سیدالشهدا علیه السلام با خداوند متعال می‌باشد، گویای مطالب عمیق فراوانی می‌باشد.

گفتگوی حضرت سیدالشهدا علیه السلام در شرایطی صورت گرفت که آزادانه بر دامنه کوهی ایستاده بودند و با خدای خود به راز و نیاز عاشقانه‌ای پرداختند. حضرت یونس علیه السلام نیز هنگامی که دچار گرفتاری و شدائد شد، با خداوند متعال به گفتگو و راز و نیاز پرداخت. اما مقایسه هر دو گفتگو و راز و نیاز، گویای بسیاری از مطالب است. حضرت یونس علیه السلام یکی از بزرگترین سالکین إلی الله شمرده می‌شود و می‌توان ادعا نمود بسیاری از انبیاء علیهم السلام به رتبه و مقام والای ایشان علیه السلام نخواهند رسید. ایشان علیه السلام زمانی که در شکم ماهی قرار گرفت، خطاب به خداوند متعال عرض کرد:

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^(۱).

خداوندا! جز تو معبودی نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم. این دعایی بود که حضرت یونس علیه السلام به وسیله آن بالاترین درجه کمال و مقام معنوی خود را در قالب آن بیان نمود. اما دقت در جملات دعای عرفه، انسان را به این مطلب واقف می‌کند که حضرت امام حسین علیه السلام به درجات بالاتر و بالاتری دست یافته بودند. ایشان در مقام مناجات باخدای خویش عرض می‌کنند:

۱. سوره انبیاء، آیه ۸۷.

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلِكِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَكْبُرِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبَّ آبَائِي الْأَوْلِينَ»^(۱).

نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از ستمگران هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه پاک و منزهی و من از توبه کنندگان هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از یکتا پرستان هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از خائفان هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از بیمناکان هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از امیدواران هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از راغبان هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از

۱. مفاتیح الجنان، دعای روز عرفه.

تهلیل گویان هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از سائلان هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از تسبیح کنندگان هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و من از تکبیر گویان هستم. نیست خدایی به جز خدای یگانه، پاک و منزهی و تو پروردگار من و پدران نخستین من هستی.

حضرت سیدالشهدا علیه السلام در این فرازها به دوازده درجه از درجات توحید اشاره می‌نمایند. یعنی اگر حضرت یونس علیه السلام در پله اول نردبان توحید قدم گذارده، حضرت سیدالشهدا علیه السلام دوازده پله از نردبان توحید را پیموده‌اند. خداوند متعال تعداد ماه‌های سال را دوازده ماه می‌داند و می‌فرماید:

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ ^(۱).

تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است.

اگر ماه‌های دوازده گانه را در باطن به مراتب دوازده گانه معرفت نسبت دهیم، این مفهوم حاصل می‌شود که حضرت امام حسین علیه السلام تمام مراتب دوازده گانه را در عالم معرفت طی نموده‌اند و به بالاترین درجه کمال و معرفت دست یافته‌اند. انسان‌های معمولی حتی از درک یک مقام از مقامات دوازده گانه مذکور عاجز

۱. سوره توبه، آیه ۳۶.

می‌باشند، ولی ایشان علیهم‌السلام برای اینکه بتوانند به محبت خداوند متعال دست بیابند، تمام این مراحل را پشت سر نهاده‌اند.

ترکت الخلق طرّاً فی هواک
وأیتمت العیال کی أراک
فلوقطعتنی بالحبّ إربا
لما مال الفؤاد إلی سواک

به عشق شما تمام خلائق را رها کردم، و خانواده‌ام را برای دیدار شما بی سرپرست گزاردم اگر به عشق شما پاره پاره شوم، باز هم قلبم به غیر از شما روی نمی‌آورد.

با توجه به مطالب فوق است که در زیارت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام ایشان را وارث تمام انبیاء علیهم‌السلام خطاب می‌کنیم:

«السّلامُ علیک یا وارث آدم صفوة الله السّلامُ علیک یا وارث نوح
نبي الله السّلامُ علیک یا وارث إبراهیم خلیل الله السّلامُ علیک یا وارث
موسی کلیم الله السّلامُ علیک یا وارث عیسی روح الله السّلامُ علیک یا
وارث محمّد حبیب الله»^(۱).

سلام بر تو ای وارث آدم علیه‌السلام برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث
نوح علیه‌السلام فرستاده خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم علیه‌السلام دوست
مقرب خدا، سلام بر تو ای وارث موسی علیه‌السلام هم سخن خدا،
سلام بر تو ای وارث عیسی علیه‌السلام روح پاک خدا، سلام بر تو ای
وارث محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محبوب خدا.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین علیه‌السلام.

حضرت سیدالشهداء علیه السلام در کلام اهل بیت علیهم السلام

مطلب دیگری که باید در مورد آن سخن بگوئیم، نفس عمل یا به عبارتی دیگر شکل و صورت ظاهری رفتار حضرت سیدالشهداء علیه السلام می باشد. لذا لازم است برای رسیدن به ژرفای مطلب به سخن معصومین علیهم السلام مراجعه نمائیم. ابوبصیر می گوید: نزد حضرت امام صادق علیه السلام نشسته بودم و با ایشان علیه السلام سخن می گفتم در این حال فرزند امام علیه السلام وارد شدند،

«فقال علیه السلام له: مرحباً، وضمّه وقبّله وقال علیه السلام: حقر الله من حقرکم، وانتقم ممن وترکم، وخذل الله من خذلکم، ولعن الله من قتلکم، وكان الله لکم ولياً وحافظاً وناصرأ، فقد طال بکاء النساء وبکاء الأنبياء والصدّيقين والشهداء وملائكة السماء. ثم بکی وقال علیه السلام: یا أبابصیر! إذا نظرت إلى ولد الحسين علیه السلام أتاني مالا أملكه ممّا أتني إلى أبيهم وإليهم، یا أبابصیر! إن فاطمة علیها السلام لتبکیه وتشهق فتزفر جهنّم زفرة لولا أنّ الخزنة يسمعون بکاءها وقد استعدّوا لذلك مخافة أن يخرج منها عنق او يشرّد دخانها فيحرق أهل الارض فيبكونها مادامت باکیة، ويزجرونها ويوثقون من أبوابها مخافةً على أهل الأرض، فلا تسکن حتّى یسکن صوت فاطمة علیها السلام. وإنّ البحار تکاد أن تنفتق فيدخل بعضها على بعض، ومامنها قطرة إلاّ بها ملک موکّل، فإذا سمع الملك صوتها أطفأ نارها بأجنحته، وحبس بعضها على بعض مخافةً على

الدنيا وما فيها ومن على الأرض، فلا تزال الملائكة مشفقين، يبكونه لبكائها، ويدعون الله ويتضرعون إليه، ويتضرع أهل العرش ومن حوله، وترفع أصوات من الملائكة بالتقديس لله مخافةً على أهل الأرض. ولو أن صوتاً من أصواتهم يصل إلى الأرض لصعق أهل الأرض، وتقطعت الجبال وزلزلت الأرض بأهلها. قلت: جعلت فداك إن هذا الأمر عظيم! قال عليه السلام: غيره أعظم منه ما لم تسمعه، ثم قال عليه السلام: لي: يا أبابصير! أما تحب أن تكون فيمن يسعد فاطمة عليها السلام? فبكيت حين قالها، فما قدرت على المنطق، وما قدرت على كلامي من البكاء، ثم قام عليه السلام إلى المصلّى يدعو، فخرجت من عنده على تلك الحال، فما انتفعت بطعام وما جاءني النوم وأصبحت صائماً وجلاً حتى أتيت، فلما رأته قد سكن سكنت، وحمدت الله حيث لم تنزل بي عقوبة»^(۱).

امام عليه السلام به او فرمودند: بارک الله و او را به سينه خود چسبانده و وی را بوسیده و فرمودند: خدا ذلیل کند کسانی را که شما را ذلیل کنند و انتقام کشد از آنانکه به شما ظلم کنند، و خوار کند افرادی را که شما را خوار کنند، و لعنت کند اشخاصی را که شما را می کشند و خدا ولی و حافظ و ناصر شما باشد، زنان و انبیاء و صدیقین و شهدا و فرشتگان آسمان بسیار بر شما گریستند، سپس آن حضرت گریسته و فرمودند: ای ابوبصیر هرگاه به بچه های

۱. کامل الزیارات، باب ۲۶.

حضرت حسین علیه السلام می‌نگرم به واسطه مصیبت و ظلمی که به پدرشان و خودشان شده حالتی به من دست می‌دهد که قابل کنترل نیست. ای ابو بصیر: فاطمه علیها السلام بر آن حضرت گریست و ضجّه زده و به دنبال آن جهنّم فریادی کشید و جیغی زد که فرشتگان حافظ و نگهبان بر آن، صدای گریه دوزخ را شنیدند و سریع آماده شدند آن را کنترل کنند زیرا خوف آن بود که از درون دوزخ آتش زبانه کشد یا دود آن بیرون رفته و اهل زمین را بسوزاند لذا تا مادامی که دوزخ گریان و نالان است فرشتگان حافظ آن را مهار کرده و به جهت خوف و هراسی که بر اهل زمین دارند آن را محافظت نموده و درهای آن را محکم بسته‌اند ولی در عین حال دوزخ ساکت و آرام نمی‌شود مگر صدای فاطمه علیها السلام آرام گردد. ای ابوبصیر دریاها نزدیک بود شکاف برداشته در نتیجه برخی در بعضی دیگر داخل شوند و قطره‌ای از آب دریاها نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکل است، لذا هرگاه فرشته موکل بانک دریا و خروش آن را بشنود با زدن بالش خروش و طغیان را خاموش و ساکت می‌کند و آنها را حبس و نگاه داشته تا بر یکدیگر داخل و وارد شوند و این نیست مگر بخاطر خوف و هراس بر دنیا و آنچه در آن و کسانی که بر روی زمین می‌باشند و پیوسته فرشتگان از روی شفقت و ترحم به واسطه گریستن دریاها می‌گیرند و خدا را

خوانده و به جانبش تضرع و زاری نموده و اهل عرش و اطراف آن نیز جملگی در تضرع و ناله می‌باشند. صداهای فرشتگان بلند است که به خاطر خوف و هراس بر اهل زمین همواره حق تعالی را تقدیس و تنزیه می‌نمایند و اگر احیاناً صدای آنها به زمین برسد اهل زمین به فریاد آمده و کوه‌ها قطعه قطعه شده و زمین اهلیش را می‌لرزاند. ابو بصیر می‌گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم این امر بسیار عظیم و بزرگ است! حضرت فرمودند: از این عظیم تر غیر آن، یعنی خبری که نشنیده‌ای می‌باشد. سپس فرمودند: ای ابوبصیر! دوست نداری در زمره کسانی باشی که حضرت فاطمه علیها السلام را کمک می‌کنند؟ ابو بصیر می‌گوید: وقتی امام علیه السلام این کلام را فرمودند به طوری گریه به من دست داد که قادر بر سخن گفتن نبودم و چنان بغض گلویم را می‌فشرده که توانایی بر تکلم نداشتم. سپس حضرت پیا خواسته و به نمازخانه تشریف برده و به خواندن دعا پرداختند. پس از مجلس حضرت با چنین حالی برخاسته و بیرون آمدم پس نه طعام خوردم و نه خوابیدم و صبح روز بعد را با حالی ترسان روزه گرفته تا آنکه محضر مبارکش دوباره مشرف شدم، پس وقتی آن جناب راساکت و آرام دیدم من نیز آرام گرفتم و از اینکه عقوبت و بلایی بر من نازل نشده حق تعالی را حمد و ستایش نمودم.

پرسش این است که حضرت امام صادق علیه السلام چه اطلاعاتی از واقعه عاشورا داشته‌اند که این چنین منقلب بودند؟ این واقعه چگونه واقعه‌ای است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را تا ابد پریشان حال و گریان نموده است؟ ابوبصیر چه مطلبی را در مورد واقعه عاشورا درک نمود که اینچنین منقلب بود؟ حال تصور کنید امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با مصیبت‌های عاشورا چه می‌کند!! در روایات آمده است: ایشان، عجل الله تعالی فرجه الشریف حتماً واقعه عاشورا را به صورت مجسم، مشاهده می‌کنند و بر آن گریه می‌کنند.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهَى»^(۱).

سلام بر تو ای نظاره کننده درخت طوبی و سدره منتهی.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به جدّ خود، حضرت سید الشهداء علیه السلام چنین خطاب می‌کنند:

«فَلَا تُدْبِتْكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَلَا بُكَيْنٌ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمِوعِ دَمًا...»^(۲).

همانا صبح و شب در غم شما می‌گیریم و به جای اشک برای شما خون می‌گیریم.

این واقعه آنچنان جانسوز است که حتی امام حسن مجتبی علیه السلام را نیز افسرده نموده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام دَخَلَ يَوْمًا عَلَى الْحَسَنِ علیه السلام

فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ بَكَى فَقَالَ علیه السلام لَهُ: مَا يَبْكِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؟ قَالَ علیه السلام:

۱. بحار الأنوار، جلد ۹۹ صفحه ۱۱۷.

۲. بحار الأنوار، جلد ۹۸ صفحه ۲۳۹.

أبکی لما یصنع بک . فقال له الحسن علیه السلام : إنَّ الَّذی یؤتی إلیَّ سَمَّ یدسُّ إلیَّ فأقتل به ، ولكن لا یوم کیومک یا أباعبدالله ! یزدلف إلیک ثلاثون ألف رجل ، یدعون أنَّهم من أُمَّة جدِّنا محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، وینتحلون دین الإسلام ، فیجتمعون علی قتلك ، وسفک دمک ، وانتهاک حرمتک ، وسبی ذراریک ونسائک ، وانتهاک ثقلک ، فعندها تحلَّ ببني أمیة اللعنة ، وتمطر السماء رماداً ودماً ، ویبکی علیک کلَّ شیء حتَّى الوحوش فی الفلوات ، والحیتان فی البحار^(۱) !

روزی حضرت امام حسین علیه السلام بر حضرت امام حسن علیه السلام وارد شدند و چون ایشان را دیدند گریستند، حضرت امام حسن علیه السلام فرمودند: برای چه گریه می کنی؟ حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: گریه می کنم به خاطر آن رفتاری که با شما شده است حضرت امام حسن علیه السلام فرمودند: سَمِّ وارد بدن من شده و من به وسیله آن کشته می شوم اما یا اباعبدالله! روزی مانند روز شما نیست. سی هزار مرد نزدیک شما می شوند، و ادعا می کنند از امت جدمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پیرو دین اسلام می باشند و بر کشتن شما و ریختن خون شما و هتک حرمت شما گرد می آیند و فرزندان و زنان شما را به اسارت می گیرند و اشیاء گرانبهای شما را غارت می کنند. در این هنگام لعن بر بنی امیه جایز است و

۱. أمالی الصدوق، صفحه ۱۷۷.

آسمان خاکستر و خون می‌گرید و همه چیز حتی حیوانات در جنگل‌ها و ماهیان در دریاها بر شما می‌گریند.

ثمره رفتار حضرت سیدالشهدا علیه السلام

ثمره‌ای که از واقعه عاشورا به دست می‌آید در روایات فراوانی به آنها اشاره شده است. در روایات فراوانی، به ثمره‌ای که از واقعه عاشورا به دست می‌آید، اشاره شده است. حضرت سیدالشهدا علیه السلام به خاطر رفتارشان سلطان دنیا و آخرت محسوب می‌شوند و اگر انسان با دل پاک از ایشان علیه السلام درخواستی نماید برآورده خواهد شد. در روایتی زیبا به گوشه‌ای از ثمرات واقعه عاشورا اشاره شده است. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لموضع قبرالحسين علیه السلام حرمة معلومة، من عرفها واستجار بها أجير، قلت: صف لي موضعها؟ قال علیه السلام: امسح من موضع قبره علیه السلام اليوم خمسة وعشرين ذراعاً من قدامه، وخمسة وعشرين ذراعاً عند رأسه، وخمسة وعشرين ذراعاً من ناحية رجله، وخمسة وعشرين ذراعاً من خلفه. وموضع قبره من يوم دفن روضة من رياض الجنة، ومنه معراج يعرج منه بأعمال زواره إلى السماء، وليس من ملك ولا نبي في السماوات إلا وهم يسألون الله أن يأذن لهم في زيارة قبر الحسين علیه السلام ففوج ينزل وفوج يعرج»^(۱).

۱. الكافي: ۵۸۸/۴، وکامل الزیارات، صفحه ۴۵۷.

برای قبر حضرت امام حسین علیه السلام حرمتی مشخص وجود دارد. هر کس آن را بشناسد و به آن پناه ببرد در امان خواهد ماند. (راوی می گوید:) از امام علیه السلام پرسیدم محدوده آن را برایم روشن سازید. حضرت امام علیه السلام فرمودند: از مکان قبر امام حسین علیه السلام بیست و پنج ذراع^(۱) حساب کن، از طرف جلو و از طرف بالاسر و از طرف پا و از طرف پشت. مکان قبر حضرت امام حسین علیه السلام از هنگام دفن آن حضرت علیه السلام، باغی از باغ های بهشت است و آن جا معراج اعمال زائران حضرت امام حسین علیه السلام است به سوی آسمان. فرشته و پیامبری در آسمان ها نیست مگر آنکه از خداوند اجازه می خواهد که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بروند، گروهی (از فرشتگان و انبیاء) به زمین می آیند و گروهی (از فرشتگان و انبیاء) به آسمان باز می گردند.

امانت داری از هیراث نیاکان

آنچه بیان شد، عظمت و ارزش واقعه عاشورا را بر همگان آشکار می کند. اما نکته مهم تر این است که این واقعه با تمام عظمت و بزرگی اش به عنوان امانتی بزرگ به دست ما سپرده شده است؛ امانتی که در سخت ترین و بدترین شرایط به وسیله شیعیان واقعی محفوظ ماند.

۱. ذراع: واحدی در طول از مرفق دست تا سرانگشتان (فرهنگ معین).

یکی از بدترین شرایط در زمان عباسیان به وقوع پیوست. آنها راه را به روی زائران حسینی علیه السلام مسدود می‌کردند و اگر کسی با اصرار فراوان قصد زیارت داشت، یکی از دستان او را قطع می‌کردند. موارد بسیاری یافت می‌شد که فردی هر دو دست خود را برای رسیدن به فیض زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام هدیه می‌نمود. شیعیان مخلص در چنین شرایط سخت و ناگوار، دست از عقیده خود برنداشتند و بر اقامه عزاداری بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام تأکید می‌کردند.

در دوران معاصر نیز وضع به همین صورت بود. یکی از این دوران‌ها عصر رضاخان بود. از مرحوم پدرم رحمته الله شنیدم که ایشان می‌فرمودند: چون اقامه عزاداری در زمان رضاخان ممنوع بود، از تاریکی شب استفاده می‌کردیم و به زیرزمین خانه‌ها پناه می‌بردیم و در آن جا مراسم سوگواری برپا می‌کردیم. بعد از پایان مراسم که به منزل برمی‌گشتیم صدای اذان صبح طنین افکن می‌شد. ایشان در تمام شرائط بر اقامه عزاداری، روضه، سینه زدن و گریه کردن بر مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام تأکید می‌نمودند.

بعد از رضاخان در دوران قبل از انقلاب نیز عده‌ای که خود را روشن فکر می‌نامیدند، با تلاش فراوان قصد داشتند تمام مظاهر عزاداری (سینه زنی، زنجیر زنی و ...) را زیر سؤال برده و عقیده مردم را نسبت به آنها سست نمایند و به عبارتی دیگر شیعه را منهای عاشورا معرفی نمایند! اما این علما، مداحان، سخنوران و شیعیان واقعی بودند که با جان فشانی‌های فراوان این امانت بزرگ را به دست ما سپردند. این واقعه به خاطر تأثیرات فراوانش بر جوامع و افراد، دارای

دشمنان و مخالفان فراوانی می‌باشد. حتی امروزه که جامعه اسلامی ما خود را مرهون خون حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌داند، دشمنان آگاه و دوستان نادان و جاهل به روش‌های مختلفی در مقابل عزاداری مردم به مقاومت می‌پردازند و اگر ما و همه شیعیان مخلص در مقابل توطئه و شبهه افکنی آنها تسلیم شویم، حق این امانت بزرگ را به جای نیاورده‌ایم.

حفظ و احترام به مظاهر سوگواری

توصیه این است که در آستانه محرم طبق سنت گذشتگان چهره شهر دگرگون شود و یکپارچه سیاهپوش شود. در برابر این سنت پسندیده هیچ مقامی حق دخالت و جلوگیری ندارد. زمزمه‌ای که جدیداً به گوش رسیده این است که عده‌ای به بهانه‌های سست و واهی از سیاه پوش شدن شهر انتقاد می‌کنند. یکی از بهانه‌های آنها این است که وجود توریست‌های مختلف و فراوان اجازه چنین عملی را به ما نمی‌دهد. در پاسخ خواهیم گفت: مهمان باید به سنت و روش‌های صاحب خانه احترام بگذارد و نباید با صاحب خانه به مخالفت بپردازد.

در مرحله بعد، توصیه این است که باید تمام نهادهای سوگواری محترم شمرده شوند. یکی از این نهادها دسته‌ها و هیئات مختلف می‌باشد ولی بهتر است دسته‌ها با عظمت وارد خیابان‌ها شوند و دسته‌های کوچک و کم تعداد آنچنان زیبا به نظر نمی‌رسند.

مسئولان و بزرگان هیئات نیز کسانی هستند که احترام آنان واجب می‌باشد.

بنده طبق وظیفه خود از تک تک این افراد تشکر و سپاس‌گزاری می‌کنم. به این دلیل که هیئات فراوانی در این شهر مشغول عزاداری می‌باشند، به نظر می‌رسد حضور در تمام این هیئات غیر ممکن می‌باشد، لذا از هیئاتی که نتوانم به دیدار آنها بروم، پیشاپیش عذرخواهی می‌کنم.

سفارش بنده به این عزیزان زحمتکش این است که اجازه ندهند اتفاقاتی که مورد پسند و رضایت حضرت سیدالشهدا علیه السلام نیست به وقوع بپیوندند. به یاد می‌آورم که در گذشته نه چندان دور، پیرمردها و افراد مسن در پیشاپیش هیئات حرکت می‌کردند و با این رفتار خود جلوه خاصی به مراسم می‌دادند.

مسئله دیگری که تذکر آن ضروری است، صدایی است که از باندهای بلندگوی هیئات پخش می‌شود. قطعاً اگر این صداها موجب آزار و اذیت دیگران شود، حرام می‌باشد. همه ما عاشق عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام هستیم، ولی ممکن است در خانواده‌ای پیرمرد و پیرزن یا فرد مریضی در حال استراحت باشد، تا بدین وسیله خود را برای روزی دیگر آماده نماید. بنابراین نباید به گونه‌ای عزاداری نماییم که موجب آزار دیگران شود.

نکته دیگری که از تذکر آن برای مجالس سوگواری غفلت شده است، تملق و تمجید از دیگران است. مجلس عزاداری نباید به مجلس تملق از این و آن تبدیل شود. البته بانیان گرانقدری که از جان و مال خود هزینه می‌کنند، قابل تکریم و ستایش می‌باشند، ولی باید مواظب بود که این مجالس به مجالس تبلیغ از دیگران تبدیل نشود. در میان بانیان، افرادی هستند که حاضرند خاک پای

عزاداران را توتیای چشم خود کنند، ولی بعضی هم فقط برای تعریف دیگران انفاق می‌کنند.

سفارش من به جوانان این است که به واجبات از جمله نماز در تمام ایام، مخصوصاً ایام محرم مقید باشند. حسینیه‌ها همان‌گونه که مرکز برگزاری مستحبات از جمله عزاداری می‌باشد، باید به مرکز برگزاری واجبات نیز تبدیل شود. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در میدان نبرد میان آن همه دشمن، اقدام به برگزاری نماز می‌نمایند؛ بنابراین درس همیشگی ما از عاشورا باید اقامه نماز در تمامی احوال باشد. شخصی که تا ساعت دو شب مشغول عزاداری است و از آن طرف تا ساعت ده صبح استراحت می‌کند، بر اساس چه دلیلی نماز صبح را ترک می‌کند؟

توصیه پایانی اینجانب آن است که بعضی از مظاهر عزاداری از جمله تصاویر ساختگی، موجب وهن مقام اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. تلاش ما باید در این جهت باشد که آرام آرام، مجالس عزاداری را از اینگونه مظاهر خالی نمائیم.

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خودآزمایی

- ① چه منزلگاه‌های هولناکی در پیش روی انسان‌ها قرار دارد؟
- ② برای اینکه بتوانیم به سلامت از منزلگاه‌های خطرناک عبور نماییم نیازمند دستگیری چه کسانی هستیم؟
- ③ مؤمنین و ملحدین درباره مرگ چه نظری دارند؟
- ④ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد سختی مرگ چه می‌فرماید؟
- ⑤ برای شناخت یک عمل باید چه نکاتی را مورد بررسی قرار داد؟
- ⑥ نکیر و منکر با مؤمنان و کافران چگونه رفتار می‌کنند؟
- ⑦ حضرت سید الشهداء علیه السلام در توحید چه مراتبی را طی کرده بودند؟
- ⑧ حضرت امام صادق علیه السلام در مورد عظمت روز عاشورا چه می‌فرماید؟
- ⑨ مرقد مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام دارای چه قداستی می‌باشد؟
- ⑩ چگونه باید از میراث نیاکان در ماه محرم پاسداری نماییم؟

اما آنچه تأمل برانگیز می باشد این است که آیا ما توانسته ایم با اعمال خود به سوی منبع نور حرکت کرده و از آن نور، کسب فیض نمائیم؟ آیا توانسته ایم با اعمال خود زاد و توشه روز قیامت را فراهم آوریم؟! هیچ شخصی؛ عالم و جاهل، غنی و فقیر و... نمی تواند ادعا کند که برای قیامت و عالم قبر سرمایه کافی و لازم جمع نموده است. آیا تا به حال از خود پرسیده ایم که در فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم چه کرده ایم؟ آیا می توانیم به نماز، روزه و دیگر اعمال ناقص و ناخالص خود مغرور و متکی باشیم؟ آیا این اعمال می توانند به عنوان سرمایه روز قیامت محسوب شوند؟ تمام انسان ها در منزلگاه های سه گانه فوق به یاری اهل بیت علیهم السلام نیازمند می باشند. همه انسان ها حتی علما و مراجع در لحظات سخت و طاقت فرسایی که در پیش رو دارند، محتاج امداد و دستگیری اهل بیت علیهم السلام می باشند. (صفحه ۱۵ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۹۷

۶